



## جایگاه حقوق بشر در اسلام

دکتر سیدمهدی قریشی<sup>۱</sup> - دکتر سیدمهدی صالحی<sup>۲</sup> - فاطمه فرامرزی<sup>۳</sup>

### چکیده :

حقوق بشر منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن، هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه، همراه با مساوات و کرامت بشری برخوردار گردد. حقوق بشر مجموعه حقوق وضع شده که آغاز آن را بتوان به اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب کبیر فرانسه دانست بلکه باید قدمت آن را به درازای حیات بشر بدانیم. موضوع حقوق بشر «انسان» است و در جهان بینی اسلامی نیز انسان خلیفه خدا است که در سایه عقل و اراده و مسئولیت بر سایر مخلوقات برتری دارد. نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند و اعتقاد به ارزش و کرامت والای انسان، به حقوق بشر در نظام اسلامی موقعیت ممتاز و برجسته بخشیده است. آن چه که به عنوان حقوق انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده به نحو کامل تری در نظام حقوقی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی دین اسلام، به بررسی جایگاه و ابزار تضمین حقوق بشر در این دین پرداخته و سازگاری و همزیستی این دو مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، کرامت انسانی، عدالت، اسلام

<sup>1</sup> - استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

<sup>2</sup> - استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه [drmahdeisalehi@yahoo.com](mailto:drmahdeisalehi@yahoo.com)

<sup>3</sup> - کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه



#### مقدمه:

یکی از مسائلی که در عصر معاصر ذهن بسیاری از متفکرین جهان را به خود مشغول داشته مسئله «حقوق بشر» است. حقوقی که ارتباط تنگاتنگ به تعریفی هر مکتب از انسان، کرامت او، هدف خلقت او ارائه می نماید دارد. در قرن حاضر به دلیل افزایش نیازهای جوامع دنیای نوین و عدم تناسب میان توزیع ثروت و توسعه یافتگی و رفاه عمومی در بخش های مختلف جهان، دایره تزاخم منافع ملل را وسیع تر کرده است و سبب افزایش منازعاتی شده است که رفته رفته جایگزین جنگ های مذهبی و نزاع های نژادی و قومی قرون گذشته می گردد و به تقویت این باور که انسان ها دارای حقوق هستند کمک شایانی می کند. در مباحث حقوقی، حقوق بشر در جایگاهی خاص و بحث برانگیز قرار دارد؛ چرا که حقوقی که تحت عنوان «حقوق بشر» قرار می گیرند، حقوقی طبیعی و فطری اند؛ نه موضوعه و بیانگر تفکر سرنوشت افراد، نه تنها یک جامعه بلکه آحاد بشریت است. حقوق بشر در اسلام، از ویژگیهای برخوردار است که از جهان بینی آن نشأت می گیرد. در این مختصر برآنیم تا با بررسی دین اسلام، به بررسی جایگاه و ابزار تضمین حقوق بشر در این دین بپردازیم و سازگاری و همزیستی این دو را مورد کنکاش قرار دهیم.

#### مفهوم حقوق بشر

در تعریف حقوق بشر گفته اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است.» (فلسفی، بی تا: ۹۵) اما در جهان بینی اسلامی حقوق بشر حداقل حقوقی است که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ و نژاد و زبان یا میزان صلاحیت و توانایی و فردی او اعطا کرده است. لذا حقوق بشر جهانی اند زیرا این حقوق حق مسلم هر عضو خانواده بشری می باشند از طرف دیگر این حقوق هدیه الهی بوده و هیچ شخصی آن را به دیگری واگذار نمی کند. برخلاف حقوق اساسی یک کشور که از رابطه اقامت افراد در یک کشور خاص به آنان اعطا می شود دین اسلام به دلیل آنکه از نظام حقوقی شاخصی برخوردار است حقوق اساسی انسان را که به ذات توجه دارد و نیازی به دخالت دولت ندارد را مورد عنایت خاص قرار داده که در زیر برخی از آنها به اختصار بیان می شود.

#### الف - حق حیات

حق حیات به عنوان حق انسانی برای انسان ثابت است؛ یعنی هر انسانی به عنوان آفریده خدا این حق را داراست و هیچ کس نمی تواند این حق را از او سلب کند. آیات بسیاری بر این حق اشاره داشته و آن را جز حقوق مسلم بشری دانسته است که تعرض به آن گناه و جرم است. احترام خون انسان و حرمت قتل نفس از مسائل مورد وفاق است. هم نظامهای حقوقی الهی و هم بشری قتل را از جرایم بزرگ می شمارند. تا آن جا که کشتن یک انسان برابر با قتل همه انسان ها و نجات یک انسان از هلاکت به منزله نجات همه انسان ها تلقی شده است. (مائده/۳۲) مطابق ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، یکی از حقوق طبیعی بشر، حق حیات است. و بیان می دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» در فرازهای متعددی از تعالیم اسلامی تضمین این حق بشری خود را نمایان می سازد. برای مثال در قرآن کریم آمده است که: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ کسی را که خداوند کشتنش را حرام کرده، جز به حق مکشید.» (انعام/ ۱۵۱) و نیز برای تأکید بیشتر به صراحت در جای دیگر می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا مائده/۳۲؛ هر کس دیگری را نه به قصاص قتل یا به جزای ارتکاب فساد در روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد.» همچنان که ملاحظه می شود



خداوند به صراحت نفس انسان را بدون در نظر گرفتن دین و جنس و زبان و فرهنگ دارای حرمت معرفی کرده است.

### ب- ممنوعیت شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری

لغویون واژه شکنجه را در معانی مختلف از جمله: عقاب، عقوبت، عذاب دادن دزد و گناهکار بکار برده همچنین شکنجه کردن را به معنی عقوبت کردن نیز ذکر کرده اند. برخی مفهوم شکنجه را در ایلام بدنی غیر به هر وسیله مادی منحصر کرده اند (الفاروقی، ۱۴۱۰: ۶۹۸). در اصطلاح حقوقی، شکنجه را تحمیل رنج فیزیکی یا روحی بر شخص به منظور اخذ اقرار از او تعریف کرده اند (والکر، ۱۹۸۰) در قرآن کریم علاوه بر آیات بسیاری که بر کرامت و منزلت آدمی تصریح دارد برخی آیات به طور خاص ایذاء و آزار دیگران را گناهی آشکار و از مصادیق بهتان قلمداد کرده است (طبرسی ج: ۲۰ / ۱۷۳: ۱۳۵۰؛ جرجانی ج: ۸ / ۲۴: ۱۳۳۷) چنان که فرموده است: « وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا؛ وَأَنْهَاكُمْ مِنَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أَنْ يَمْسُوا بِكُمُ الْبِرِّ وَأَنْ يَكُونُ بِكُمْ فَاحِشًا يُضْطَرُّونَ وَالَّذِينَ ذُنُوبُهُمْ كَسَائِدٍ تَرْتَدُّ بِهَا رِيحُ الْعَارِ يُغْتَابُونَ وَغَابُوا وَفِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةُ الْحَمِيَّةُ الْغَيْبُ الْمُتَعَبِّ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا بِرَبِّهِمْ يَكُونُونَ كَالنَّجْمِ الْمُبِينِ » (احزاب/ ۲۶) با توجه به شرافت و منزلت انسانی در معرفت دینی، شارع تحمیل هر گونه ایذاء و رنج بر دیگری را ممنوع ساخته و ارتکاب هر رفتار مخالف با شأن و منزلت انسان را مورد نهی شدید قرار داده است.

«و یحرم ضرب المتهم لما فيه من اذلاله و اهدار کرامته و قد نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن ضرب المصلین: ای المسلمین» (سید سابق، بی تا: ۴۶۶)

ماده پنجم اعلامیه<sup>۱</sup> هر گونه رفتار و مجازات برخلاف شئون بشری از جمله شکنجه را مردود اعلام می کند. در حقوق اسلامی از آنجا که آزادی اراده از شرایط نفوذ اقرار است، شکنجه به منظور اخذ اقرار و اعتراف ممنوع است؛ اما برخی مجازات های اسلامی نظیر تشهیر که در جرائمی چون قذف پیش بینی شده است، ممکن است از منظر این ماده رفتاری متضمن توهین به شخصیت مجرم به حساب آید. حال آن که در ماده پنجم اعلامیه با عبارت «احدی را نمی توان تحت... مجازات... موهن قرار داد.» مجازات توهین آمیز نسبت به تمامی مجرمین مردود اعلام شده است. گرچه معیار توهین آمیز بودن رفتار و مجازات عرف جوامع است، اما با این حال کمتر مجازاتی را می توان یافت که متضمن وهن مجرم نباشد. حتی اقدامات تأمینی و تربیتی نیز گرچه به منظور جلوگیری از تحقیر مجرم و تأکید بر روش های اصلاحی و تربیتی و درمانی تأسیس شده است، اما ویژگی غیر قابل انکار بسیاری از مجازاتها و حتی اقدامات تأمینی و تربیتی توهین ب شخصیت مجرم است. قرآن مجید در آیات متعددی به حمایت از حقوق بشر اهتمام ورزیده است که به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می شود:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ \* الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغْيًا حَقًّا إِلَّا أُن بَغْيًا كَثِيرًا يَتَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِنَعِ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا حج/۳۹ و ۴۰ این آیه، علت اذن در جهاد را «مظلومیت» و مورد ظلم قرار گرفتن و اخراج از کاشانه و آواره ساختن مومنان از وطن خود از سوی ستمگران می داند.

«وَلَمَنَ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ (۴۱) إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (شوری/۴۱) و ۴۲ کسانی که بعد از آن که مورد ظلم قرار

<sup>۱</sup> - ماده پنجم: احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.



گرفتند، یاری بطلبند، ایرادی بر آنان نیست، ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند.

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا نساء/۷۵) چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که به (دست ستمگران تضعیف شده اند) پیکار نمی کنید؟

همان افراد ستمدیده ای که می گویند: پروردگار ما را از این شهر (مکه) که اهلس ستمگرند، بیرون ببر، و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یآوری برا ما تعیین فرما. در سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز سفارش زیادی به این امر شده است: چه این که «در اسلام، مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب وظیفه ای همگانی است که باید همه یکپارچه، در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند.» (خسروی، ۱۳۷۳: ۶۹) چنانکه دستور امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در نهج البلاغه نامه ۴۷ به این امر اشاره می فرماید: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید.»

### حقوق بشر در اسلام

واژه بشر ۳۶ بار به صورت های «البشر، بشر، بشرین» در قرآن ذکر شده است که در تمامی این موارد جسم و هیات مادی و ظاهری انسان مورد توجه می باشد. (بنت الشاطی، ۱۹۹۵: ۱۵) مفهوم اسلامی حقوق بشر از این خاستگاه سرچشمه می گیرد که انسان مخلوق خداست. بر سایر مخلوقات با توجه به عقل، اراده و مسئولیت برتری دارد. خداوند همه چیز در کاینات را در خدمت انسان قرار داده و به انسان قدرت تسخیر کائنات را عطا بخشیده است. مردم در اصل خلقت با هم برابر و مساوی اند و هیچ تمیز و برتری به اساس رنگ، جنس یا قوم در میان شان قابل قبول نیست. انسان خلیفه خدا در زمین است (بقره/ ۳۰) «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً هَنَگامی که پروردگار تو به فرشته گان گفت: من در روی زمین جانشین قرار خواهم داد. خلیفه با صلاحیت و مسئول، به همین اساس انسان بر همه مخلوقات برتری و فضیلت دارد. اندیشمندان اسلامی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که دین برای مصلحت بندگان است و خاص ترین مصلحت بندگان برپایی عدالت میان مردم می باشد که هدف اساسی بعثت همه پیامبران ر انیز همین اصل تشکیل می دهد (...حدید/۲۵) ترجمهک ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا » (نساء/۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید کاملاً به عدالت قیام کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زبان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد» عمده ترین حقوق بشر در اسلام را می توان عدالت و مساوات و همچنین کرامت انسانی برشمرد.



## عدالت و مساوات

عدالت از مفاهیم آرمانی است که بشر از ابتدای تاریخ تمدن در پی دست یابی به آن بوده و هست. اسلام، آخرین دین الهی و راه نجات بشریت، بر عدالت تأکید بسیار داشته و آن را از زوایای مختلف تبیین کرده است. عدالت در لغت به معنای دادگری کردن و استقامت است. (لغتنامه دهخدا؛ ذیل ماده عدالت) در این خصوص آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که به ذکر برخی از آنها می پردازیم: خداوند در آیه ۹ از سوره حجرات می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتُوا إِيحَادَهُمَا عَلَى الْآخِرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَهُ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ اگر دو طایفه از مومنان با هم به جنگ و نزاع پرداختند در میان آنها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کرد با ظالم پیکار کنید تا تسلیم فرمان خدا شود. هر گاه زمینه صلح فراهم شد در میان آن دو بر طریق عدالت صلح را برقرار سازید. عدالت پیشه کنید که خداوند عادلان را دوست دارد.» همچنین در آیه ۸ از سوره ممتحنه می فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ، خدا شمار را از دوستی با کفاری که با شما جنگ و دشمنی ندارند و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، نهی نمی کند تا بیزاری از آنها بجوید، بلکه با آنها با عدل و انصاف رفتار کنید که خداوند مردم با عدل و داد را بسیار دوست دارد.» در این خصوص روایاتی وارد شده است از جمله: امام علی علیه السلام می فرماید: «الایمانُ علی الاربعِ دعائم: علی الصبرِ و البقیین و العدلِ و الجهاد؛ ایمان بر چهار پایه استوار است، صبر، یقین، عدل و جهاد» (نهج البلاغه حکمت ۱۳۱) خداوند بصیر بدون هیچ قید و شرطی با صراحت و قاطعیت امر به عدالت فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...؛ خداوند به عدل و غیره فرمان دهد» (نحل/۹۰). امام صادق علیه السلام می فرماید: «سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی» (آرام و حکیمی، ۱۳۸۰، ۶۲۱). در آیات قرآن عدل به عنوان یک امر مقدس و الهی فرمان داده شده است. قرآن از سایر کتابهای آسمانی با عنوان «میزان» که نماد عدل است یاد می کند (حدید/۲۵) عدالت از موضوعاتی است که در اسلام بر آن تأکید ویژه شده است و یکی از اهداف انبیا را اقامه قسط و عدل ذکر می کند.

مساوات: در لغت به معنی برابری است. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه مساوات) به موجب آن افراد صرفنظر از جنسیت و طبقه و مذهب و ثروت و شغل دارای حقوق و تکالیف مساوی می باشند (ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ص ۶۴۶، ۱۳۸۴، چاپ پانزدهم، گنج دانش)، تعدادی از آیات قرآن که می توان مساوات و برابری را از آنها استنباط کرد به شرح ذیل می باشد: «یا

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۱۳؛ ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و قبیله و تیره های متفاوتی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، لکن گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است. (حجرات/۱۳) همچنین در سوره بقره آیه ۲۹ می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ او خداوندی است که همه چیز در زمین را برای شما آفریده است. در سوره حجرات آیه ۱۰ می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ مومنان مانند برادران یکدیگرند» اخوت و برادری نزدیکترین رابطه ای است که در میان دو انسان بر اساس مساوات برقرار می شود. (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵)



## کرامت انسان<sup>۲</sup>

کرامت بشری همان صیانت از حقوق و آزادی های فردی و جمعی (حقوق بشر) است و حقوق بشر هم همان کرامت بشری است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۹).

این کرامت از پشتوانه ای منطقی برخوردار است و موهبتی الهی است. گمان نمی رود در هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام بر کرامت انسان تأکید شده باشد. خداوند همه انسانها را مورد تکریم قرار داده است و در این تکریم که به ذات انسانها بر می گردد فرقی بین هیچ کدام نگذاشته است. همه موجودات بشر در این ارزشمندی ذاتی برابرند. به همین دلیل همه آنها باید مورد احترام برابر قرار گیرند. از دیدگاه اسلام، انسان موجود شریف و با کرامتی است که هیچ گاه نباید شرافت و عزت او لطمه بخورد. زیرا انسان به فرموده قرآن، خلیفه خدا در زمین است. در قرآن همچنین آمده که: « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا اسراء/۷۰ » ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و کرامت بخشیدیم و آنان را بر خشکی و دریا (بر و بحر) تسلط دادیم و پاکیزه ها روزی شان قرار دادیم و آنان را بر بسیاری از موجودات خود، فضیلت و برتری بزرگ بخشیدیم. این آیه مشهورترین آیه قرآن است که بر کرامت انسان دلالت دارد. چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ حجرات/۱۳ » مردمان همچون دندانه های شانه با هم برابرند، هیچ عربی بر غیر عرب و هیچ غیر سیاه پوستی بر سیاه پوست، فضیلت و برتری ندارد، مگر به وسیله تقوا. و نیز بر اساس همین قاعده، از دیدگاه اسلام، تبعیض نژادی محکوم است و هیچ قوم و قبیله و تبار و ملتی، بر اقوام و تبارها و ملل نژادهای دیگر، برتری و فضیلت فیزیکی و عنصری و اجتماعی و حقوقی ندارند مگر با تقوا و بندگی خدا که معیار برتری هر کسی بر دیگری فقط تقواست، یعنی هیچ کس به خاطر خون، رگه، تیره نژادی و رنگ پوستش برتر و یا پست تر از دیگران نیست. بشر دارای دو نوع کرامت است: کرامت ذاتی و اکتسابی. کرامت ذاتی منشأ آن رابطه مهم و ارزشمند انسان با خداوند است که در قرآن به آن اشاره شده است: «فاذا سوئته و نفخت فيه من روحي» کرامتی اعطایی از جانب خداوند برای همه آدمیان است یعنی در این نوع کرامت همه انسانها در آن برابرند و نسبت به دیگری امتیازی ندارند و از این نظر انسان در مقایسه با دیگر موجودات از امکانات و مواهب وجود برخوردار است که حاکی از عنایت ویژه خداوند است. کرامت اکتسابی آن منزلت و جایگاهی است که انسان در سایه اختیار خود بدان دست می یابد و این کرامت اختصاص به عده ای خاص از انسان ها دارد که در زندگانی خود به کمالات اختیاری دست پیدا می کنند (رجبی، ۱۳۷۹: ۱۲۹) به یقین انسان ها در این نوع کرامت یکسان و برابر نخواهند بود. زیرا در این عرصه انسان باید با مجاهدت و به اختیار خود به کمالات اختیاری دست پیدا کند و کرامتی است که در اثر تلاش مخلصانه در مسیر (حیات طیبه) به دست می آید. کرامت انسان در اعلامیه حقوق بشر بر اصل حقوق طبیعی بشر مبتنی است یعنی بشر از آن جهت که بشر است و صرفاً به اعتبار انسان بودنش حقوقی دارد و هیچ امر خارجی و عارضی نباید مانع از برخورداری وی از این حقوق باشد و عزت و رأفت و کرامت وی باید حفظ گردد.

### نتیجه گیری:

نکته قابل توجه و راهگشا در مطالعه جایگاه حقوق بشر در اسلام مراجعه به متون اصیل این دین یعنی قرآن و اقوال ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. مسلم آن که نوع نگاه هر نظام به انسان و آغاز و انجامی که هر نظام فکری برای سعادت بشر ترسیم می کند، در تعریف حقوق بشر می تواند موثر باشد. در اسلام محور بحث

<sup>۲</sup> - human dignity



های حقوق بشر انسان کمال یافته است. اندیشه حقوق بشر و حمایت از آن، سابقه دیرینه در تاریخ بشر دارد. هدف از طرح آن، تأمین حداقل حقوق آزادی افراد است. نظر به این که اساس این حقوق بر مبنای فطرت آدمی پایه گذاری شده و از آن جا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است بدیهی است که متکفل تحقق این امر بوده، بر حمایت جدی از حقوق بشر اصرار ورزد و رعایت آن را در زمره واجبات شمارد. از دید اسلام حقوق بشر یک اعتقاد درونی و برخاسته از فطرت پاک آنهاست. در پرتو کرامت بشری انسان حقوقی را به دست می آورد و هیچ کس در روی زمین نمی تواند بر آن سلطه یابد. حقوق بشر خاستگاه دینی دارد و برای اثبات این ادعا ریشه آن را در کتابهای آسمانی به ویژه قرآن کریم باید جست.

Archive of SID



## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- آرام، احمد و دیگران (۱۳۸۰)، الحیاة. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- آشوری، محمد و همکاران (۱۳۸۳) حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشگاه تهران.
- بنت الشاطی، عایشه عبد الرحمن (۱۹۹۵) القرآن و قضايا الانسان، قاهره، دارالمعارف.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۳۷) جلاء الازهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر) چاپ اول ج ۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۴) ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، گنج دانش.
- خسروی، علی اکبر، (۱۳۷۳) حقوق بین الملل دفاع مشروع، تهران، آدینه.
- دهخدا، علی اکبر، دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه، چاپ اول، فرهنگ ۱۴ جلدی، دانشگاه تهران.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳) مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- رجبی، محمود (۱۳۷۹) انسان شناسی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
- سید سابق، (بی تا)، فقه السنه، دار الكتاب العربی، جلد سوم، بیروت.
- طبرسی، فضل بن حسن (1350) تفسیر مجمع البیان، ترجمه میر باقری و دیگران، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
- الفاروقی، حارث سلیمان (۱۴۱۰) المعجم القانونی، بیروت، مکتبه لبنان، چاپ دوم.
- فلسفی، هدایت الله (بی تا) تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۶-۱۷.
- نهج البلاغه، تنظیم صبحی الصالح، (۱۴۱۲ ه. ق) قم، دارالهجره الخامسة.
- Walker, David. (1980). The Oxford Companion to Law, published by Oxford University Clarendon press oxford.